



نقش گذرگاه‌های قفقاز در تامین امنیت ایران

نگاهی به تلاش‌های ایران برای حفظ امنیت منطقه قفقاز در دوره باستان

■ **علی‌بابایی درمنی**

ایرانیان از روزگار باستان تاکنون، در طول چند هزار سال، فرهنگ و تمدن خویش را حفظ کرده و به روزگار جدید انتقال داده‌اند. طی این مسیر پریچ و خم، مروهون فداکاری مردان و زنانی بود که بانگهداری فرهنگ، آیین و رسوم سرزمین‌پدري خویش، این سرزمین را به نسل‌های بعدی سپردند. چراکه زیستن در این سرزمین کهن به منزله مواجهه با خطرات و مصائب بی‌شماری بوده که از موقعیت حساس جغرافیایی این سرزمین و در نتیجه آسیب‌پذیری در برابر اقوام بیگانه ناشی شده است.

هجوم اقوام بیابانگرد از مرزهای شرقی و شمالی در طول تاریخ، امنیت ایران را مورد تهدید جدی قرار داده است، اما به علت غنای فرهنگی و حافظه تاریخی بی‌ظنیر حاکم بر این سرزمین، تاکنون حیات تاریخی ملت بزرگ ایران با افتخار ادامه دارد. در این میان سرزمین قفقاز که اینک آن‌سوی مرزهای ایران واقع است به منزله یکی از راه‌ها یا گذرگاه‌هایی بود که ایران را به چهارراهی برای عبور اقوام بیگانه بدل کرده بود.

مقارن با تشکیل حکومت مستقل مادها در زمان هوخشتره، اولین هجوم از ناحیه ماوراء قفقاز به ایران صورت گرفت، سکاها پایتخت دولت نوپای ماد را تسخیر کردند. شاید این هجوم‌های ویرانگر منجر به بنای اولیه دربندهای قفقاز توسط هخامنشیان شد. بنای اولیه دربندهای قفقاز از طرفی به کورش، بنیانگذار سلسله هخامنشیان و از طرفی به اسکندر مقدونی نسبت داده و از این‌رو سسکندر نامیده می‌شود.

روایات مربوط به بنای دربندهای قفقاز توسط اسکندر مقدونی یا کورش بزرگ آمیخته به افسانه‌های گوناگون می‌باشد ولی نکته در مورد ساخت این دربندها در دوران هخامنشی لازم به ذکر است:

۱- در طول دوران هخامنشی برخلاف سلسله‌های دیگر ایران باستان، از تهاجم اقوام ماوراء قفقاز به مناطق جنوبی خبری نبوده و از این‌رو می‌توانیم نتیجه بگیریم روایات مربوط به ساخت دربندهای قفقاز در دوره کورش بزرگ حقیقت دارد.

۲- نامگذاری یکی از مهم‌ترین رودخانه‌های قفقاز به نام کورش بزرگ (کورا) را می‌توان نشان از حضور کورش در قفقاز دانست و بنای دربندهای قفقاز را به او نسبت داد.

در دوران اشکانی برخلاف دوره هخامنشی، منابع تاریخی از هجوم گسترده اقوام بیابانگرد شمال قفقاز به تحریک امپراتوری روم، به قفقاز و مناطق شمالی ایران گزارش می‌دهند. در نتیجه در دوره ساسانیان ایرانیان کوشیدند تا به طور جدی‌تر در تامین امنیت قفقاز شرکت کنند و به ساخت و تجهیز دربندهایی بر گذرگاه‌های قفقاز بپردازند. نشانه‌های زیادی از بنای دربندهای قفقاز در زمان ساسانیان می‌باشد، ولی باید بدانیم بنای دربندهای قفقاز چندبار در طول تاریخ ایران باستان تجدید شده است و به احتمال قوی، همان‌طور که گفتیم، بنای اولیه دربندهای قفقاز در دوران ساسانیان صورت پذیرفته است.

در منطقه قفقاز، گذرگاه‌های فراوانی وجود داشته که از طریق آن بیابانگردان ماوراء قفقاز به مناطق جنوبی هجوم می‌آوردند، ولی در طول تاریخ ۲ دربند که روی ۲ گذرگاه مهم قفقاز ساخته شده بودند، از شهرت زیادی برخوردار بودند. یکی از این دو گذرگاه، گذرگاه دربند است که ارامنه به آن چول می‌گفتند و اعراب نیز گاهی آن را صول و گاهی باب‌الابواب می‌نامیدند. این گذرگاه با عرض بسیار کم مابین منتهی الیه شمال شرقی رشته کوه‌های قفقاز و دریای خزر قرار گرفته است. امروز در محل این گذرگاه شهر

در بند در جنوب غربی جمهوری داغستان روسیه قرار دارد.

گذرگاه دیگر گذرگاه داریال است. البته داریال نام امروزی و در اصل تلفظ روسی نام این گذرگاه است. در حقیقت ایرانیان به سبب این که آن‌ها از طریق این گذرگاه از شمال قفقاز به مناطق جنوبی هجوم می‌آوردند به این گذرگاه در آلان می‌گفتند و اعراب نیز به تبع آنها به این گذرگاه باب‌الانان می‌گویند. این گذرگاه امروز مهم‌ترین جاده نظامی است که ماوراء قفقاز را به قفقاز وصل کرده و امروزه در دو سوی این گذرگاه جمهوری خودمختار اوستیای شمالی متعلق به روسیه و شهر کازبگی متعلق به گرجستان قرار دارند.

نخست، هردوت از وجود ۲ گذرگاه مهم در منطقه قفقاز یاد کرده است. هردوت معتقد است سکاها از



سمت چپ رشته کوه‌های قفقاز و کیمیری‌ها از سمت راست رشته کوه‌های قفقاز به مناطق جنوبی نفوذ کرده‌اند و این مهم مؤید اهمیت ۲ گذرگاه عمده قفقاز از دوران باستان است. که از طریق آنها اقوام بیابانگرد شمال قفقاز می‌توانستند از شمال قفقاز به قفقاز نفوذ کنند.

۱- گذرگاهی که در سمت غرب رشته کوه‌های قفقاز قرار دارد و امروزه به گذرگاه داریال معروف است و در طول تاریخ اسامی گوناگونی چون صول و چور داشته است.

۲- گذرگاهی که در شرق رشته کوه‌های قفقاز قرار دارد و امروزه دربند قفقاز نامیده می‌شود. و در طول تاریخ اسامی گوناگونی چون صول و چور داشته است.

از منابع خلل‌ناپذیری که به وجود تنها ۲ گذرگاه عمده در منطقه قفقاز اشاره می‌کند، کتاب تاریخ ارمنیان آگاتانگئوس است. این کتاب وقتی از انتقام گرفتن خسرو شاه ارمنستان از اردشیر بابکان یاد می‌کند، ذکر می‌کند خسرو برای نیل به مقصودش، دروازه آلان‌ها و دروازه چور را روی هون‌ها گشود تا مناطق شمالی ایران را غارت کنند. از مورخان اسلامی نیز طبری به‌طور مشخص هنگامی که از تجهیز استحکامات قفقاز به دست فیروز، پادشاه ساسانی یاد می‌کند به ۲ گذرگاه عمده قفقاز اشاره می‌کند: «فیروز در ناحیه صول و آلان بنایی از سنگ ساخت تا نگذارد آن اقوام (اقوام ماوراء قفقاز) بر بلاد

او دست یازند.»

هجوم‌های بی‌امانی که از ناحیه ماوراء قفقاز از طریق دو دربند یاد شده، امنیت ایران را مورد تهدید قرار می‌دادند، منجر به اتخاذ سیاستی آهنین از طرف شاهان ساسانی به منظور حفظ دربندهای قفقاز شد؛ سیاستی بی‌گذشت که برای نیل به مقصود از هیچ نوع تلاشی فروگذار نبود.

حفظ گذرگاه‌های قفقاز از وظایف اصلی شاهان ساسانی تلقی شده و همچنین اهمیت این امر در جملات ادبی در تاریخ به یادگار مانده است، چنانچه مسعودی در مورد هرمز (۲۷۲-۲۷۱ م) پسر شاپور اول چنین می‌گوید: «پس از شاپور پسرش هرمز، ملقب به دلیر پادشاه شد. او به یکی از حکام خود نوشت: نگهداری دربندها و سرداری سپاه و تدبیر امور و اداره ولایت تنها از کسی ساخته است که ۵

استحکامات قفقاز عمل نکردند. از این‌رو قباد اول (۵۳۱-۴۸۷ م)، فرزند فیروز، با اصرار فراوان خواستار عمل کردن رومی‌ها به تعهداتشان شد، زیرا در این دوران ایرانیان بشدت تحت فشار هپتالیان بوده و نیاز مبرمی به شرکت رومی‌ها در هزینه‌های نگهداری دربندهای قفقاز داشتند.

جمله‌ای از پیامی که قباد قبل از آغاز جنگ به روفینوس سفیر بیزانسی‌ها گفت، بار دیگر اهمیت دربندهای قفقاز را برای ایرانیان مشخص می‌کند و همچنین خطوط کلی سیاست ساسانیان را در مقابله با رومیان تعیین می‌کند: «ایرانیان هرگز سلاح را بر زمین نخواهند گذارد تا آن‌که رومیان در نگرهانی و حراست دربندهای خزر با ایشان شرکت کنند.»

با این حال موفقیت‌ناهایی ایرانیان برای ایمن کردن گذرگاه‌های قفقاز در دوره انوشیروان صورت پذیرفت. فردوسی معتقد است خسرو انوشیروان پس از غلبه بر آلان‌ها، به آنها فرمان داد قلعه‌ای به منظور دفاع در برابر اقوام بیابانگرد ماوراء قفقاز بسازند:

یکی شارسانی برآرند زود

بدو اندرون جای کشت و درود

یکی باره گردش اندر بلند

بدان تا ز دشمن نباشد گزند

از دروازه‌های ساخته شده در زمان انوشیروان، هیچ یک شهرت باب‌الابواب را نداشته است. امروزه در محل این دروازه، شهر دربند در جمهوری خودمختار داغستان روسیه قرار دارد که نام این شهر گویای سابقه تاریخی آن است. تجدید بنای باب‌الابواب یا همان گذرگاه چور که اعراب آن را باب‌صول می‌نامند، اثر عظیمی در اذهان مورخان مسلمان گذاشته و مسعودی به سال ۳۳۲ هـ. ق از وجود بقایای آن سخن می‌گوید.

جریان تجدید بنای استحکامات دروازه چور با باب‌الابواب در روزگار انوشیروان، گویای عظمت ایران در دوران این پادشاه است. شیوه ساخت این استحکامات حتی بر تراز معیارهای معماری در قرن ۲۱ میلادی است، چنانچه طاق کسری نیز چنین است. گذرگاه چور با عرض بسیار کم، مابین رشته کوه‌های سر به فلک کشیده قفقاز و دریای خزر قرار داشته و طبیعتاً حفاظت از این گذرگاه تنها از راه زمین میسر نبوده و برای دفاع از آن به دفاع دریایی نیز نیاز مبرم بوده است. استحکامات دریایی گذرگاه چور اعجاب‌آورترین استحکامات قفقاز و حتی جهان باستان بوده است. خوشبختانه مسعودی جریان ساخت این بنا را برای ما به یادگار نهاده است: «چون ملوک ناحیه باب‌الابواب و جبل قبقق به قلمرو انوشیروان تاختند وی به آنجا شتافت و دیوار معروف را بر مشک‌های پر باد از پوست گاو و سنگ و آهن و سرب به پا کرد که هر چه دیوار بالاتر رفت مشک‌ها فروتر شد تا به قعر دریاقبر گرفت و دیوار از آب بالا آمد. آنگاه مردان به زیر آب رفتند و با کارد و خنجر مشک‌ها را بشکافتند و دیوار در دل آب به قعر دریا استوار شد و تاکنون یعنی به سال ۳۳۲ هـ. ق بجاست و این قسمت دیوار که به اصطلاح سد گویند و اگر کشتی دشمن به آنجا رسد، مانع آن شود. آن‌گاه دیوار را به خشکی مابین جبل قبقق و دریایمتداد داد و در قسمت‌های مجاور کفار دره نهاد. آن‌گاه دیوار را به کوه قبقق کشید. گویند وقتی دیوار را بنا می‌کرد اقوام این ناحیه به حال ترس و تسلیم بودند.» با وجود اقتدار ایرانیان در عهد خسرو انوشیروان در سرزمین قفقاز، تهدید ایران از جانب بیابانگردان شمال قفقاز ادامه یافت، تهدیدهایی که با دگرگون شدن ساختار سیاسی منطقه به گونه‌ای دیگر تا دوران معاصر ادامه یافت.